

بررسی تطبیقی صراحت نفی شرک در قرآن و کتاب مقدس؛ با تأکید بر مسئله تثلیث

محمود نثاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

چکیده

مسئله شرک از خطرناک‌ترین مسائلی است که قرآن کریم آن را به شدت نفی کرده و حتی در صورت شرک ورزیدن هشدار به از بین رفتن تمامی اعمال شخص مشرک داده است. اما به باور بیشتر مسیحیان، در کتاب مقدس آموزه تثلیث به عنوان یکی از مهم‌ترین عقاید آنها در باب الوهیت عیسی علیه السلام و روح القدس مطرح شده است. نگارنده در این پژوهش به روش تحلیل تطبیقی در صدد ثابت کردن اضطراب در متن کتاب مقدس است؛ بدین صورت که زمانی که کتاب مقدس از توحید الوهی سخن می‌گوید به صراحت وجود دیگر خدایان را نفی نمی‌کند و در مقابل، قرآن کریم به صورت قاطعانه هرگونه برداشت شرک‌آمیز را از حریم خود نفی کرده و حتی اجازه خطور چنین برداشتی را به ذهن خواننده خود نداده است.

واژگان کلیدی: الوهیت مسیح، شرک، تثلیث، قرآن، کتاب مقدس.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تفسیر قرآن، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام. mhwoodnasru@gmail.com

مقدمه

هر انسانی از آغاز خلقتش در فطرت خود احساس نیاز به وجودی کامل‌تر از خود را می‌یابد و این احساس نیازمند بودن، سبب شده که او مدام به دنبال چیزی باشد که بتواند به آن تکیه کرده و نیازش را برطرف نماید و او را به کمال سعادت رساند. پس انسان در ذات خود بی‌نیاز نیست از وجود غنی و آن وجود غنی همان خداوند است.

به همین خاطر، خداوند رسولانی را به‌سوی بندگان مبعوث نموده تا این بندگان در مصداق معبود خود دچار سرگردانی و انحراف نشوند، قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ اما متأسفانه برخی از امت‌ها در تشخیص این مصداق دچار انحراف از الوهیت خداوند، و در نهایت مبتلا به شرک شدند. از جمله آن امت‌ها، امت مسیحی (قریب به اتفاق) در اعتقاد به آموزه تثلیث است.

قرآن درباره انحراف این گروه فرموده: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ» (مائده: ۷۳). این اعتقاد در منابع بی‌شماری آمده که اثبات می‌کند آموزه تثلیث و سایر اعتقادات انحرافی مسیحیت از آیین‌های بت‌پرستی گرفته شده است (توفیقی، ۱۳۸۷ش: ۷۸/۱).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این اعتقاد از یک سوی به عدم صراحت و اضطراب متن کتاب مقدس در باب الوهیت خداوند متعال برمی‌گردد. از این رو مهم‌ترین غرض در این تحقیق بررسی درون‌متنی بایبل کنونی به روش توصیفی تطبیقی با قرآن کریم می‌باشد چرا که متن کتاب مقدس قاطعانه در کنار وجود خداوند واحد، وجود دیگر خدایان را نفی ننموده است.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد شرک و تثلیث، کتاب‌ها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده همانند: «قرآن و کتاب مقدس، مقایسه ساختار و محتوا»، نوشته مه‌راب صادق‌نیا، در سال ۱۳۹۳ش، ص ۲۳۹. نویسنده در جمع‌بندی توحیدشناسی فرموده: کتاب مقدس در نوشته‌های مختلفش دیدگاه گوناگونی را درباره توحید ارائه می‌دهد. مثلاً در اسفار پنج‌گانه بی‌آنکه وجود خدایی را

نفی کنند از خدایی واحد سخن می گویند. این به معنای ارائه ایده توحیدی نسبی است. یعنی معرفی یک خدا و پذیرش وجود خدایان. با این بیان نویسندگان به نوعی اذعان به اضطراب متن کتاب مقدس در مورد توحید کرده است.

مقاله «تثلیث در عهد جدید و نگاه قرآن کریم در این زمینه» نوشته محمدرضا رحیمی، در فصلنامه مطالعات قرآنی شماره ۳۵ در سال ۱۳۹۷، (ص ۲۰۹-۲۴۵). نویسنده در این مقاله آورده است: در عهد جدید سخن از تثلیث است نه تثلیث یعنی پدر و پسر و این در حالی است که قرآن کریم براساس نظام توحیدی با صراحت و قاطعانه به انکار و نقد آموزه تثلیث پرداخته است. در این مقاله نویسنده در صدد نفی تثلیث به عنوان نوعی تشریک برای خدای متعال برآمده است.

مقاله «توحید و شرک در مذهب کلامی سلفیه و امامیه» نوشته سید کاظم موسوی، پژوهش نامه کلام تطبیقی شیعه در شماره ۱، (ص ۱۵۶-۱۲۷). اهم مباحث مطرح شده در این مقاله، نفی شرک و اثبات یگانگی خداوند متعال بوده؛ به این بیان که همه شرایع آسمانی براساس توحید و یکتاپرستی استوار بوده اند و تبری از هرگونه شرک و انحراف از شعارهای اصلی پیام آوران الهی بوده که آیات قرآن کریم دلیل بر این مدعی است. همان گونه که در مقالات و کتاب معرفی شده بیان شد هر مقاله ای از یک نگاه مسئله شرک و تثلیث را مورد بررسی قرار داده بود، اما نگارنده در این پژوهش با رویکرد تطبیقی به این دو متن (کتاب مقدس و قرآن کریم) پرداخته، به این بیان که، متن کتاب مقدس در کنار ثابت کردن و مسلم دانستن وجود خدایی یگانه، وجود دیگر خدایان را به صراحت و قاطعانه نفی نکرده و این خود سبب برداشت نسبی شرک یا همان تثلیث شده است. در حالی که متن قرآن کریم هرگونه برداشت شرک آلودی را از پیرامون خود نفی کرده و حتی اجازه خطور کمتر شرکی را به ذهن خواننده خود نداده است.

۲. مفهوم شناسی واژگان شرک و تثلیث

از منظر ابن فارس واژه شرک (به کسر شین) اسم است یعنی عمل شرک «یا بُنِيَ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳) یعنی شرک ظلم بزرگی است. این واژه به معنای «همتا گرفتن و برخلاف انفراد و یگانه شدن» آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۳).

شرک در اصطلاح نیز عبارت است از «همتا گرفتن و اعتقاد شریک برای خدای بی‌همتا» (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ) (نساء: ۴۸) (سجادی، ۱۳۷۳ ش: ۲/۱۰۵۴). تثلیث در لغت از ریشه ثلث به معنای سه گوشه کردن، سه گانه است (اسدی، معرفت ادیان، «سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن»: ۳۶/۴) و در اصطلاح الهیات مسیحی، آموزه تثلیث یعنی در خدای واحد سه شخصیت یا اقنوم مشخص وجود دارد که ذات بوده و به نام پدر، پسر و روح القدس معروفند (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۸۹ ش: ۱/۴۹۳-۴۹۴).

پرسش این است که تثلیث چگونه دلالت بر شرک می‌کند؟ به دیگر بیان تثلیث چگونه نوعی شرک به‌شمار می‌آید؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت که قرآن کریم به صراحت نفی کرده تثلیث را که دال بر شرک به خداوند تلقی شده باشد و خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمِنْ إِلَهِ إِلَهٍ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» «کسانی که به تثلیث قائل شده و گفته‌اند: خدا سومین شخص از سه اقنوم است، قطعاً کافر شده‌اند و حال آن که هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند دست برندارند عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند) خواهد رسید» (مائده: ۷۳).

۳. اقسام شرک و تثلیث

راغب درباره شرک می‌نویسد: «شُرک انسان در دین دو گونه است: اول- الشُّرک العظیم: و آن اثبات شریک برای خدای تعالی است مثل عبارت: أَشْرَکْتُ فُلَانًا بِاللَّهِ، و این معنی، بزرگ‌ترین کفر است. دوم- الشُّرک الصَّغیر: یعنی مراعات کردن غیر خدا با او در بعضی امور مثل ریاکاری و دورویی و نفاق» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱/۵۲۲).

امام هادی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِشْرَاكُ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ش: ۱/۴۸۷).

و در حقیقت قسم اول از شرک به «عقیده» باز می‌گردد و قسم دوم از شرک به «عمل» برگشت می‌کند قسم اول از شرک که همان شرک در اعتقاد به - الوهیت - بیشتر مورد

۱. ترجمه. «شرک در میان مردم از حرکت مورچه بر روی پارچه‌ای سیاه در شبی تاریک پنهان‌تر است.»

بحث است. و از مهم‌ترین اختلاف عقیده مسلمانان با مسیحیان در توحید الوهیت می‌باشد، که بیانش در فرازهای الوهیت عیسی مسیح خواهد آمد.

تثلیث دو گونه می‌باشد. اول: تثلیث مسیحی که شامل سه شخص و اقنوم (خدای پدر و پسر و روح القدس). دوم: تثلیث مریمی (خدا و مسیح علیه السلام و حضرت مریم) که در این تحقیق تثلیث مسیحی موضوع پژوهش می‌باشد (سلیمانی، پژوهشنامه ادیان، «بازتاب تثلیث مسیحی در قرآن مجید»: ۸۴/۱۹) و قرآن کاملاً درباره تثلیث رایج مسیحی بحث کرده است؛ نه تثلیث مریمی که قبل از ظهور اسلام در میان اعراب جاهلی بوده و بنابر اقوالی که در این باره آمده، آنها این تثلیث را از مسیحیان اطراف شبه جزیره که ارتباطی علمی و دینی با کلیسای روم داشته گرفته‌اند (طالبی دارابی، اسلام و ارتباطات میان فرهنگی، «نگاهی به برداشت الاهیات مسیحی از نقد آموزه تثلیث در قرآن»: ۱۱۴/۱).

۴. اضطراب متن کتاب مقدس درباره توحید و شرک (تثلیث)

قبل از بیان وجود اضطراب در فرازهای متن کتاب مقدس نسبت به مفاهیم شرک آلود همانند آموزه تثلیث، ضروریست پیرامون آموزه تثلیث مطلبی ارائه شود و سپس به تاریخچه شکل‌گیری این آموزه و هم‌سو شدنش با شرک به نکاتی پرداخته شود.

از آنجا که معتقدان به خدا به دو گروه تقسیم می‌شوند: موحدان و مشرکان، برخی دیدگاه هر یک از این دو گروه را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که با گروه مقابل هم‌خوانی پیدا کند. ادیان توحیدی یهودیت، مسیحیت، زردشتی‌گری و اسلام به سه اصل توحید، نبوت و معاد قائلند و از این جهت با هم مشترکند. ولی توحید مسیحیت با تثلیث و توحید آیین زردشت با ثنویت همراه است. مسیحیان با زردشتیان می‌کوشند تثلیث و ثنویت خود را به هر قیمتی با توحید هماهنگ کنند (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۹ش: ۴۹۱/۱).

آیین مسیحیت با پذیرش تثلیث (Trinity)، خود را در هاله‌ای از ابهام فرو برده؛ ابهام از این جهت که کتاب مقدس در نوشته‌های مختلفش دیدگاه گوناگونی را از توحید ارائه داده مثلاً در اسفار پنج گانه بی‌آنکه وجود خدای دیگر را نفی کنند، از خدایی واحد سخن می‌گویند، و این به معنای اضطرابی است که در متن مقدس نسبت به وحدانیت خداوند وجود دارد (صادق‌نیا، ۱۳۹۳ش: ۲۳۹/۱).

اندیشه تثلیث یک نوآوری مسیحی نیست و پیشینه سه گانه پرستی در اقوام و ملل مشرک قبل از میلاد مسیح نیز وجود داشته است.

نخستین گروه قائلین به تثلیث خدا در مصر باستان، به نام‌های اوزیریس (خدای برادر)، ایزیس (خدای مادر) و هوروس (خدای خورشید) بوده است. دومین گروه از بابل که دارای سه خدای معروف تر بودند، به نام‌های آنو (خدای آسمان)، انلیل (خدای فضا و جنگ) و اِنا (خدای آب) و سومین گروه قائل به تثلیث،خدایان هندوها هستند به نام‌های برهما (آفریدگار جهان)، شیوا (خدای فانی کننده) و ویشنو (خدای حفظ کننده) (توفیقی، ۱۳۹۸ش: ۱۷/۱، ۲۰، ۳۴).

تثلیث دیگری که در عصر جاهلیت جزیره العرب پیش از پیامبر اسلام وجود داشته، ادعای دانشمندی به نام «تریمینگهام» است، ایشان در کتاب مسیحیت در جزیره العرب گفته: «اگرچه آن قبائل سامی اسم‌های معروف تثلیث را بر خدایانشان اطلاق نمی کردند، ولی این گونه بوده است: الله (خدای متعال)، اللات (بزرگ مادر) و بعل (خداوند، رب) (توفیقی، ۱۳۸۷ش: ۷۸/۱).

لذا تثلیث تاریخیچه و سابقه‌ای بس طولانی در دیگر ادیان قبل از تثلیث مسیحی داشته به گونه‌ای که درباره ریشه این آموزه گفته شده، منابع بی شماری وجود دارد که اثبات می کند تثلیث و سایر اعتقادات انحرافی مسیحیت از آیین‌های بت پرستی گرفته شده است. (توفیقی، ۱۳۸۷ش: ۷۸/۱).

نکته دیگر اینکه در بیان تاریخیچه شکل گیری تثلیث مسیحی، آقای توماس میشل کشیش مسیحی معاصر در این مورد این گونه می نویسد: «کلمه (تثلیث) هرگز در کتاب مقدس وارد نشده و نخستین کاربرد شناخته شده آن در تاریخ مسیحیت به تئوفیلوس انطاکی در سال ۱۸۱م در اثری به نام «تئوفیلوس به اتولیکوس» - از اصطلاح یونانی «تری آس» برای تثلیث استفاده کرده است - باز می گردد و از طرفی ایشان ادعایی کرده و گفته: ممکن است کسی تصور کند که مسیحیان معتقد به وجود یک خدای متشکل از سه فرد یا سه شخص، یعنی چیزی شبیه به مجموعه سه چیز هستند. این تصور به تعالیم صحیح مسیحیت ربطی ندارد و شوراها و کلیسای قدیم آن را به هیچ وجه نپذیرفته اند. نویسندگان

مسیحی قدیم نیز هیچ‌گاه از تثلیث به‌عنوان «یک خدا در سه شخص» سخن نگفته‌اند (میشل، ۱۳۸۱ش: ۷۳ - ۷۵).

با این وجود، گروه مسیحیان بعد از اینکه دیدند نصی بر تثلیث و محدودیت و ابهام عبارات مربوط به الوهیت عیسی یافت نشده - از آنجا که نویسندگان عهد جدید خدا را پدر می‌نامیدند و روح القدس را روح خدا بلکه به عقیده مسیحیان، وی خود خداست که در قلوب مردم و در جهان زیست می‌کند. - آنها آمدند و اصطلاح پسر خدا را در مورد آن حضرت توسعه دادند. لذا آنان تا سه قرن در باب الوهیت عیسی علیه السلام اختلاف داشتند.

اوایل قرن چهارم میلادی اسقفی برجسته به‌نام آریوس ۳۳۶م برضد اعتقاد به الوهیت عیسی قیام کرد. (آریوس اعتقاد به هم‌ذات بودن پدر با پسر را رد کرده و اظهار می‌کرد کلمه خدا ازلی نیست، بلکه در زمان خلق شده و آن را خدا قبل از پدید آوردن جهان آفریده است) و مجادلات میان او و الکساندر اسقف اسکندریه ۳۲۸م بالا گرفت. در این زمان قریب به ۳۰۰ اسقف به دعوت کنستانتین (قسطنطین) نخستین قیصر مسیحی در شهر نیقیه به سال ۳۲۵م شورایی تشکیل دادند و این شورا قول به الوهیت عیسی (هم‌ذات بودن پسر با پدر) را با اکثریت قاطع پذیرفت و نظر آریوس (همانند بودن) را مردود اعلام کرد. (رسول زاده و باغبانی، ۱۳۸۹ش: ۳۵۲/۱ - ۳۵۳) - و بعدها بعد از مناقشه آریوس با اسقف اسکندریه و آتاناسیوس ۳۷۳م نزاع دیگری رخ می‌دهد و شخصی به‌نام ماسدونیوس ۱۳۸م، همان اسقف اسکندریه الوهیت روح القدس (شخص سوم تثلیث) را رد کرد و او را مخلوقی از مخلوقات خدا و فرشته‌ای از فرشتگان خدا خواند؛ لذا در سال ۳۸۱م در شورایی نظر ایشان هم رد شد (رسول زاده، باغبانی، شناخت مسیحیت، ۱۳۸۹ش: ۴۹۱/۱) - که در قطعنامه شورا نیقایی در مورد حضرت عیسی اینگونه آمده است: «عیسی مسیح پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود از ذات پدر است، خدا از خدا ... و لعنت بر کسانی که اقرار می‌کنند وی از ذات و جنس دیگری است ...» (توفیقی، ۱۳۹۸ش: ۱۸۸/۱).

پس تثلیث به‌عنوان اصل اعتقادی برگرفته از متن کتاب مقدس از اول امر نبوده، بلکه این اصل اعتقادی پس از آن رخ می‌دهد که مسیحیان برای روح القدس و حضرت عیسی علیه السلام قائل به الوهیت شدند و از این جهت نویسنده قاموس کتاب مقدس در ذیل واژه

نام خدا می نویسد: «مسئله آموزه تثلیث در عهد عتیق و عهد جدید مخفی و غیر واضح است» (جیمز مسترهاکس، ۱۳۹۴ش: ۳۴۵/۱).

نکته دیگر، سخنان مخالفان آموزه تثلیث مسیحی می باشد. نخستین فرقه در قرن اول میلادی «ایونی ها» هستند که از درون مسیحیان یهودی نژاد پدید آمدند، آنها بر توحید تاکید می کردند و اعتقاد به الوهیت مسیح را کفر می دانستند و همچنان به شریعت پایبند ماندند (صادقی، مجله مبلغان، «مروری بر فرقه ها و آیین های مسیحیت؛ آشنایی با مسیحیت بخش اول»: ۱۰۳/۱).

دومین فرقه مسیحی که این آموزه را قبول ندارد فرقه «راه جهانی» می باشد. این فرقه توسط شخصی به نام - ویکتور پال ویرویل - خادم سابق کلیسای انجیلی و اصلاح شده، بنیان گذاشته شد. ویرویل دیدگاهی ضد تثلیثی نسبت به خدا دارد و آموزه تثلیث را رد می نماید (دانشنامه پژوهه پژوهشکده باقرالعلوم، «تثلیث در منظر منتقدان مسیحی (۲)»: pajoohe.ir).

سومین فرقه مسیحی که مخالف با این آموزه است، «کلیسای جهانی خدا، آرمسترانگیسم» که بنیان گذارش هربرت و آرمسترانگ می باشد. در الهیات آرمسترانگ، تثلیث به هیچ وجه وجود ندارد. وی می گوید: آموزه تثلیث نتیجه تعلیم انبیای کذب است (دانشنامه پژوهه پژوهشکده باقرالعلوم، «تثلیث در منظر منتقدان مسیحی (۲)»: pajoohe.ir).

از دیگر مخالفان آموزه تثلیث، فرقه توحیدباوری و شاهدان یهوه که در قرن نوزدهم به وجود آمدند. این دو فرقه در آیین جماعت گرای آمریکا شکل گرفتند و اعتقادی به آموزه اسرارآمیز تثلیث ندارند (مری جو ویور، ۱۳۹۳ش: ۱۰۰/۱) و بلاخره مخالفان این آموزه تثلیث بیش از این موارد هستند.

۱-۴. فرازهای متن مقدس در تصریح وحدانیت خداوند

فرازهای بسیاری در عهدین وجود دارد که تصریح به وحدانیت خداوند متعال می کند. «در قاموس کتاب مقدس آمده خدا یعنی از خود به وجود آمده و آن اسم خالق جمیع موجودات و حاکم کل کاینات است و او روحی ازلی است.» (جیمز مسترهاکس، ۱۳۹۴ش: ۳۴۴/۱).

وحدانیت خداوند یکی از مهم ترین حقیقت عهد عتیق و عهد جدید است که فرازهایی از آنها بر الوهیت خداوند دلالت دارند:

الف) ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما، واحد است... (تثنیه ۶: ۴)
ب) من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نیست (اشعیا ۴۵: ۵).
ج) این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست (تثنیه ۴: ۳۵).
د) و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی ... بشناسند (انجیل یوحنا ۱۷: ۳).
ه) عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل! خداوند خدای ما خداوند واحد است (انجیل مرقس ۱۲: ۲۹).

تا اینجا فرازهایی از کتاب مقدس بیان شد که بر وحدانیت خداوند گواهی می‌دهند و این مسئله یعنی وحدانیت خداوند در متن مقدس، مورد قبول اکثریت مسیحیان است.

۲-۴. فرازهای متن مقدس در الوهیت عیسی مسیح ﷺ

فرازهایی که در عهدین آمده و ظهوری در تثلیث ندارد، اما طرفداران تثلیث به آنها استناد کرده‌اند عبارتند از:

الف) در ابتدا الوهیم آسمان‌ها و زمین را آفرید. (پیدایش ۱: ۱) بیان آیه: طرفداران تثلیث استدلال کرده‌اند که: الوهیم جمع است و آیه را به خدایان ترجمه کرده‌اند و منظورشان از خدایان همان پدر، پسر و روح القدس است و اگر غیر از این بود واژه مفرد برای خدا مورد استفاده قرار می‌گرفت» (محمد شمس، مقاله آموزه تثلیث، ۱۶۹/۲۹).

ب) پس رفته و همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و ابن و روح القدس تعمید دهید (انجیل متی ۲۸: ۱۹).

ج) فیض عیسی سرور و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین.
(رساله دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴) این دو فراز (متی و قرنتیان) از دیگر فرازهایی است که طرفداران تثلیث به آن استناد کرده‌اند. اما کلمه تثلیث در این دو به کار نرفته، ولی با این وجود ریشه تثلیث در کتاب مقدس به وسیله مفاهیمی که در این دو فراز آمده است بیان گردید.

د) زیرا سه هستند که شهادت می‌دهند* یعنی روح و آب و خون و این سه یک هستند.
(رساله یوحنا ۵: ۷، ۸).

بعد از بیان استدلال قائلین تثلیث و چگونگی استنادشان به فرازهای عهدین برای ثابت کردن آموزه تثلیث از متن مقدس در ادامه به بیان عدم اضطراب متن قرآن نسبت شرک می‌پردازیم.

۵. عدم اضطراب در متن قرآن کریم به شرک

قرآن کریم بر اساس نظام توحیدی، با صراحت و قاطعانه به انکار و نقد آموزه تثلیث یا هرگونه شرک پرداخته و با رد هرگونه اعتقاد به الوهیت عیسی مسیح یا این همانی الله و مسیح این عقیده را کفرآمیز و شرک آلود و غلوآمیز خوانده است. اساساً در اسلام و مسیحیت و یهودیت شرک ذنب لایغفر است؛ لذا خداوند و وحدانیتش تشخیص دارد و فرد دیگری را غیر از خدا نمی توان اطاعت کرد و اگر کسی چنین کند مرتد و مشرک است (صادق‌نیا، فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت، «ادیان ابراهیمی یهودیت و مسیحیت»: ۶۷/۱).

«أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ (نحل: ۳۶) لذا قرآن به صراحت هرگونه شرک را از حریم و دامان خود منزّه می‌داند. در اینجا دو دسته از آیات درباره شرک وجود دارد.

۱-۵. نفی هرگونه اندیشه شرک آلود در قرآن

خداوند در قرآن کریم در آیات فراوانی هرگونه اندیشه شرک آلود را نفی کرده است. برخی از این آیات عبارتند از:

- الف) «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^۲ (نساء: ۱۱۶).
 ب) «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۳ (لقمان: ۱۳)
 ج) «وَلَقَدْ أَوْحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ»^۴ (زمر: ۶۵).

۲-۵. کفر و غلو تثلیث مسیحی در قرآن

دیدگاه قرآن کریم درباره تثلیث، کفر می‌باشد و این مطلب در برخی از آیات قرآن آمده است:

۱. «و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که (اعلام کند که) خدا را پرستید و از (پرستش) طاغوت پرهیزید.»
۲. «مسلماناً خدا کسی را که به او شرک آورده شود نمی‌آمرزد، و فروتر از آن را برای هر که بخواهد می‌آمرزد.»
۳. «و (یاد کن) هنگامی که لقمان به پسرش در حالی که او را موعظه می‌کرد، گفت: پسر من! به خدا شرک نورز، بی‌تردید شرک ستمی بزرگ است.»
۴. «بی‌تردید به تو و به کسانی که پیش از تو بوده‌اند، وحی شده است که: اگر مشرک شوی، همه اعمال تبه و بی‌اثر می‌شود و از زیانکاران خواهی بود.»

الف) «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ...»^۲ (نساء: ۱۷۱).

ب) «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ...»^۱ (مائده: ۷۲-۷۳).

آیات بیان شده از شرک نشان دهنده آن است که کتاب مسلمانان با تلاشی نمایان با هر اندیشه شرک آلود مبارزه می کند، چه تثلیث مسیحی باشد و چه نسبت فرزند دادن به خدا توسط مشرکان اعراب. خدایی که قرآن معرفی می کند از هر شریک، جزء، رقیب، فرزند، همسر، پدر و مادر و همانندی پیراسته است. لذا قرآن به منظور آنکه انسان را در شناختن خدا یاری دهد، از سویی تلاش دارد تا خداوند را از هر آنچه صفات ناشایست است و او را از هر آنچه شایسته او نیست، پیراسته و میرا دارد (صادق نیا، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

نکته ای که اینجا باید به آن پافشاری کرد آن است که: در مورد شرک، مقصود شرک در عقیده است، نه شرک در عمل (عبادت و اطاعت) و از طرفی شرک در عقیده دارای اقسامی است: همان طور که قبلاً بیان شد، مراد شرک در الوهیت است، به این معنی که اعتقاد به موجودی غیر از خداوند که دارای تمام صفات الهی به طور مستقل باشد (کتابخانه مجازی الفبا، <https://alefbalib.com>).

آنچه به عنوان نکته پایانی باید ذکر گردد شبهه مسیحیان در مورد مبتلا بودن مسلمانان

۱. «ای اهل کتاب! در دین خود غلو (و افراط) نورزید، (و از چهارچوب آیات نازل شده از سوی خدا و آنچه پیامبران به شما آموخته اند، خارج نشوید) و نسبت به خدا جز حق مگویید. جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا کرد و (این بنده پاک و خالص روحی از سوی اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: (خدا) ترکیبی از سه حقیقت (اب، ابن و روح القدس) است. (از این عقیده باطل) خودداری کنید که به خیر شماست. جز این نیست که خدا معبودی یگانه است.»^۳ ترجمه. آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است، بی تردید کافر شدند؛ و حال آنکه مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خدای یکتا را که پروردگار من و پروردگار شماست پرستید، مسلماً هر کس به خدا شرک ورزد، بی تردید خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست. * آنان که گفتند: خدا یکی از (این) سه تاست (پدر، پسر، روح) یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست.»

به شرک می‌باشد. گاهی بعضی از مسیحیان می‌گویند اگر ما مسیح علیه السلام را ابن‌الله می‌گوییم درست مانند آن است که شما مسلمانان امام حسین علیه السلام ثار الله و ابن ثاره (خون خدا و فرزند خون خدا) می‌گویید و یا در پاره‌ای از روایات به علی علیه السلام ید الله اطلاق شده است.

پاسخی که از شبهه داده شده این است که باید گفت: اولاً این اشتباه بزرگی است که بعضی «ثار» را معنی به «خون» کرده‌اند، زیرا ثار هیچ‌گاه در لغت عرب به معنی خون نیامده است بلکه به معنی «خون‌بها» است، (در لغت عرب به خون، «دم» اطلاق می‌شود) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۸/۱) بنابراین «ثار الله» یعنی ای کسی که خون‌بهای تو متعلق به خدا است و او خون‌بهای تو را می‌گیرد، یعنی تو متعلق به یک خانواده نیستی که خون‌بهای تو را رئیس خانواده بگیرد، و نیز متعلق به یک قبیله نیستی که خون‌بهای تو را رئیس قبیله بگیرد؛ تو متعلق به جهان انسانیت و بشریت می‌باشی، تو متعلق به عالم هستی و ذات پاک خدایی، بنابراین خون‌بهای تو را او باید بگیرد، و همچنین تو فرزند علی بن ابی طالب هستی که شهید راه خدا بود و خون‌بهای او را نیز خدا باید بگیرد.

ثانیاً اگر در عبارتی در مورد مردان خدا تعبیر مثلاً به یدالله شود قطعاً یک نوع تشبیه و کنایه و مجاز است، ولی آیا هیچ مسیحی واقعی حاضر است ابن‌الله بودن مسیح را یک نوع مجاز و کنایه بداند؟ مسلماً چنین نیست؛ زیرا منابع اصیل مسیحیت ابن را به عنوان «فرزند حقیقی» می‌شمرند و می‌گویند: این صفت مخصوص مسیح علیه السلام است نه غیر او. (مکارم، ۱۳۷۱ش: ۴/ ۲۲۹-۲۳۰).

نتیجه‌گیری

بیان شد که مهم‌ترین اختلاف نظر و عقیده در میان مسلمانان و مسیحیان در باب توحید الهی است و با بررسی فرازهایی از کتاب مقدس و آیات شریفه قرآن می‌توان به این نتیجه رسید که متن کتاب مقدس، متنی نسبتاً مضطرب بوده، به این معنا که زمانی که از واحدانیت خداوند متعال سخن می‌گوید در صدد نفی دیگر خدایان نبوده و این خود ارائه ایده توحیدی نسبی است. لذا برخوردش در مقابل شرک همانند برخورد قاطعانه و صریح قرآن کریم در برابر نفی هرگونه شرک از حریم خدا نبوده است. از این رو ما می‌بینیم متن کتاب مقدس راه را برای هر سوء استفاده کننده‌ای به خصوص طرفداران تثلیث مسیحی باز

گذاشته تا با دست بردن در متن، به اغراض شوم خود دستیابند. به دیگر بیان تثلیث بدترین انحراف مسیحیت به شمار می آید، یعنی آنها به صراحت می گویند: خداوند سه گانه است و نیز با صراحت می گویند: در عین حال یگانه است؛ یعنی هم وحدت را حقیقی می دانند و هم سه گانگی را واقعی می شمردند، [و این موضوع مشکل بزرگی برای پژوهشگران مسیحی به وجود آورده است. اگر حاضر بودند یگانگی خدا را مجازی بدانند و تثلیث را حقیقی مطلبی بود، و اگر حاضر بودند تثلیث را مجازی و توحید را حقیقی بدانند باز هم مسئله، ساده بود، ولی عجیب این است که هر دو را حقیقی و واقعی می دانند!] و اما قرآن کریم از اول امر با صراحت و قاطعانه هر گونه شرک را از حریم خدا پیراسته نموده و فرموده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۱۱۶)، «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (زمر: ۶۵) و هر گونه اعتقاد به الوهیت عیسی مسیح یا این همانی الله و مسیح به شدت برخورد نموده و آن را کفرآمیز و شرک آلود و غلوآمیز خوانده است.

منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، دهم.
۳. توفیقی، حسین، (۱۳۹۸ش)، آشنایی با ادیان بزرگ آسمانی، قم: موسسه فرهنگی طه و جامعه المصطفی العالمیه، هجدهم.
۴. جیمز، مستر هاکس، (۱۳۹۴ش)، قاموس کتاب مقدس، تهران: نشر اساطیر، چاپ ۴.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۶. رسولزاده، عباس؛ باغبانی، جواد، (۱۳۸۹ش)، شناخت مسیحیت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. سجادی، سید جعفر، (۱۳۷۳ش)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: نشر دانشگاه تهران، سوم.
۸. صادق نیا، مهرباب، (۱۳۹۳ش)، قرآن و کتاب مقدس، قم: هاجر.
۹. گلن، ویلیام؛ مرتن، هنری، (۱۳۸۳ش)، کتاب مقدس عهدعتیق و عهد جدید فارسی، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر، دوم.
۱۰. مفتاح، احمد رضا؛ سلیمانی، حسین؛ قنبری، حسن، (۱۳۹۳ش)، تعالیم کلیسای کاتولیک، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، دوم.
۱۱. میشل، توماس، (۱۳۸۷)، ترجمه: توفیقی، حسین، کلام مسیحی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، سوم.

مقالات

۱. اسدی، علی، (۱۳۸۹ش)، «خدای سه گانه سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن»، مجله معرفت ادیان: (۴) / ص ۳۵-۵۶.
۲. اصغری، محمد جواد، (۱۳۸۹ش)، «مقاله تثلیث»، مجله کلام اسلامی، ۱۹ (۷۴) / صص ۱۱۶-۱۳۰.
۳. سلیمانی، عبدالرحیم، (۱۳۹۵ش)، «مقاله بازتاب تثلیث مسیحی در قرآن مجید»، پژوهشنامه ادیان: ۱۰ (۱۹) / صص ۸۳-۱۰۵.
۴. شمس، محمد، (۱۳۸۰ش)، «آموزه تثلیث»، مجله بینات: ۸ (۲۹) / صص ۱۲۶-۱۷۱.

۵. صادق‌نیا، مهرباب، (۱۴۰۰ش)، «ادیان ابراهیمی یهودیت و مسیحیت»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت: ۱۶ (۲) / صص ۶۶ - ۷۱.
۶. صادقی، مهدی؛ پهلوان دوست، عباس، (۱۳۹۷ش)، «مروری بر فرقه‌ها و آیین‌های مهم مسیحیت؛ آشنایی با مسیحیت (بخش اول)»، مجله مبلغان: ۲۰ (۲۳۲) / صص ۱۰۱ - ۱۰۷.
۷. طالبی دارابی، باقر، (۱۳۸۹ش)، «مقاله‌نگاهی به برداشت الاهیات مسیحی از نقد آموزه تثلیث در قرآن»، مجله اسلام و ارتباطات میان فرهنگی: ۱ (۱) / صص ۱۱۳ - ۱۲۴.
۸. غروی، سعیده، (۱۳۸۳ش)، «معرفی معتزلیان معاصر»، مشکوه النور: ۲۴ (۲۵) / صص ۱۲۲ - ۱۳۸.

منابع اینترنتی

۱. کتابخانه مجازی الفبا، پایگاه جامع و تخصصی کلام و عقائد و اندیشه دینی، «شرک چیست»: <https://alefbalib.com/Metadata/228250؟چيست-شرک/>
۲. پژوهشکده باقرالعلوم، «تثلیث در منظر منتقدان مسیحی (۱)»: a-35640.aspx/تثلیث-در-منظر-منتقدان-مسیحی-۱ - pajoohe.ir
۳. پژوهشکده باقرالعلوم، «تثلیث در منظر منتقدان مسیحی (۲)»: a-35641.aspx/تثلیث-در-منظر-منتقدان-مسیحی-۲ - pajoohe.ir